

۷

هویت و ژئوپلیتیک؛ شرق گرایی و غرب گرایی در سیاست خارجی اوکراین

حسین کریمی فرد^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

^۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز hkarimifard@yahoo.com

چکیده

موقعیت ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های هویتی در جهت‌گیری سیاست خارجی اوکراین در مقطع زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۲ نقش مهمی داشته‌اند. موقعیت جغرافیایی این کشور که حائل بین روسیه و غرب (به رهبری آمریکا) است، چالش بزرگی برای سیاست‌گذاری خارجی ایجاد کرده است. قدرت‌های بزرگ جهانی جهت در اختیار گرفتن مزیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک قدرت اوکراین، تلاش نموده‌اند که توازن قدرت را به نفع خود دگرگون نمایند. از سوی دیگر بعد از استقلال اوکراین از شوروی، فرایند هویت‌سازی و ملت‌سازی در این کشور شروع شد. نخبگان متمایل به غرب بعد از انقلاب رنگی در سال ۲۰۰۶، جداسدن شبه جزیره کریمه و حوادث سیاسی در میدان اروپا، تلاش نمودند هویت غربی را برجسته نمایند و روسیه را به‌عنوان «دگر» معرفی نمایند. طرفداران روسیه نیز با وجود اقلیت روسی و زبان روسی در این کشور، تلاش نمودند اشتراکات هویتی با روسیه را مدنظر قرار دهند. هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های هویتی و موقعیت ژئوپلیتیکی اوکراین و نقش آن‌ها در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور نسبت به کنش‌گران مهم بین‌المللی مثل ناتو، اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه است. با توجه با مطالب فوق پرسش ذیل مدنظر قرار می‌گیرد: موقعیت ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های هویتی چه تاثیری بر سیاست خارجی اوکراین در مقطع زمانی ۱۹۹۱-۲۰۲۲ ایفاء نموده اند؟ فرضیه این پژوهش که تلاش می‌شود با روش توصیفی و تبیینی اثبات شود، عبارتست از: مؤلفه‌های هویتی غرب‌گرایی و شرق‌گرایی نخبگان اجرایی و موقعیت ژئوپلیتیک اوکراین، زمینه لازم را برای قطبی شدن سیاست خارجی (غرب‌گرایی و شرق‌گرایی) و دخالت قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه، آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا را در مقطع زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۲ فراهم نمود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران و نخبگان اجرایی این کشور به دلیل ناتوانی در ایجاد و حفظ انسجام هویت ملی؛ وابستگی به قدرت‌های بزرگ؛ عدم توجه به الزامات ژئوپلیتیک قدرت؛ ثبات، استقلال و تمامیت ارضی این کشور را در مقطع زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۲ با مشکل مواجه ساختند.

• واژگان کلیدی

هویت ملی، اوکراین، ژئوپلیتیک، روسیه، غرب.

مقدمه

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت اوکراین استقلال خود را اعلام کرد و برای ساختن یک کشور مدرن با تقویت هویت ملی تلاش نمود. «اوکراین استقلال خود را در ۲۴ اوت ۱۹۹۱ اعلام کرد. زمانی که بیش از ۹۰ درصد از شهروندان تمایل خود را برای استقلال ابراز کردند، به نظر می‌رسید کشور به طرز شگفت‌آوری در آرمان ملی خود متحد شده است اما این تصمیم تاریخی عمدتاً ماهیت اجتماعی-اقتصادی داشت و ایده «ملی» انگیزه اصلی برای ایجاد یک دولت اوکراینی نبود. تفاوت‌های منطقه‌ای، تاریخی، قومی، زبانی و مذهبی، جذابیت بالقوه ملی‌گرایی مدرن اوکراینی را به شدت محدود کرد و پیش شرط‌هایی را برای قطبی‌شدن در جامعه اوکراین ایجاد نمود (Khrestin, 2002, A: 3)

اوکراین پس از استقلال با حوادث متعددی روبرو شده است که در روند ملت‌سازی موثر بودند. حوادث یورو میدان^۱، الحاق کریمه و درگیری مسلحانه با روسیه، خط «ما-آنها» را برای خودشناسی «اوکراینی‌ها» در مقابل «دیگران» تشدید کرد. «اوکراینی‌سازی» جاری، نامنی را در میان گروه‌های اقلیت گسترش داد و ایجاد یک جامعه منسجم اوکراینی با احساس تعلق مشترک را با مشکل مواجه کرد. در چارچوب فضای چندفرهنگی اوکراین و تعهدات بین‌المللی دولت برای حمایت و ارتقای حقوق اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی، اتخاذ رویکرد قوم‌گرایانه برای ملت‌سازی کشور یک عامل مستعد درگیری است.

بحران ژئوپلیتیک ۲۰۲۲ اوکراین با دگرگونی سیاسی داخلی و مستقر شدن دولت غرب‌گرا در این کشور در سال ۲۰۱۴ و سپس الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه و نیز شروع فرایند جدایی طلبی آغاز شد. به لحاظ ژئوپلیتیک در صفحه شطرنج اوراسیایی، اوکراین به عنوان محور ژئوپلیتیک، ابزاری برای روسیه به منظور کسب جایگاه هژمونی جهانی بوده و برای آمریکا اهرمی برای محاصره و تقلیل روسیه به یک امپراطوری آسیایی می‌باشد.

سه شوک بی‌سابقه به دولت اوکراین از سال ۲۰۱۴ تاکنون شامل: خشونت پلیس و معترضان، فروپاشی رژیم و استفاده از نیروی نظامی توسط روسیه برای الحاق کریمه و تداوم شورش در دونباس، فرصتی برای بررسی مجدد وزن عوامل هویتی و ژئوپلیتیکی در ترجیحات سیاسی اوکراین فراهم کرد (Arel, 2018: 1).

^۱. Euromaidan

با توجه به تحولات مطرح شده فوق، مسئله پژوهش حاضر این است که سیاست خارجی اوکراین واجد چه خصوصیتی بود که نتوانست استقلال و تمامیت ارضی این کشور را حفظ نماید. مفروض این مقاله این است که سیاست خارجی نقش مهمی در ثبات و استقلال سیاسی کشورها (از جمله اوکراین) ایفاء می‌نماید اما به‌نظر می‌رسد سیاست خارجی اوکراین منحصراً طبق محاسبات استراتژیک تنظیم نشده است؛ زیرا نخبگان سیاسی هوادار روسیه با نظر به اقلیت روس‌تبار در اوکراین، زبان روسی و نزدیکی جغرافیایی درصدد اتحاد با روسیه بودند. از سوی دیگر نخبگان متمایل به غرب بر انگیزه‌های مثبت و «ارزش‌های مشترک» با غرب تأکید می‌کنند. نخبگان غرب‌گرا بر نزدیکی ذاتی و جغرافیایی، تاریخی و عقیدتی اوکراین به هنجارها و ارزش‌های غربی توجه دارند. هم‌چنین آن‌ها اتحادیه اروپا را از نظر هنجاری نزدیک و مشابه می‌بینند. به عبارت دیگر، سیاست غرب‌گرایی بر اساس جذابیت مؤلفه‌های هویتی غربی و هراس از روسیه به‌عنوان دشمن بنا شده است. بنابراین، شواهد فوق نشان می‌دهد نخبگان اجرایی با قطبی‌کردن سیاست خارجی نتوانستند منافع و امنیت ملی اوکراین را حفظ نمایند و تمامیت ارضی و استقلال کشورشان را با مشکل مواجه ساختند.

عناصر هویت ملی اوکراین

اوکراین کشوری است که مناطق آن تحت سیطره چهار امپراتوری (روس، لهستان، هابسبورگ و عثمانی) بوده و شهروندان آن به چندین زبان صحبت می‌کنند و به مذاهب مختلف اعتقاد دارند. «هویت منطقه‌ای در اوکراین با ترکیبی منحصر به‌فرد از میراث تاریخی، قومیت، مذهب، سبک زندگی، سنت‌ها و فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی تعیین می‌شود.» (Balabanov et al, 2019:491) در نتیجه نخبگان اوکراینی از مناطق مختلف، جهت‌گیری سیاسی و ژئوپلیتیک متفاوت را برگزیده‌اند، گذشته را متفاوت درک می‌کنند و آینده کشور را متفاوت می‌بینند. همه این‌ها، روند سیاسی و روابط سیاسی در اوکراین مدرن را پیچیده می‌کند.

از زمان استقلال، یک مسئله کلیدی سیاسی این است که دولت اوکراین تا چه حد قادر به ایجاد حس ملی‌گرایی اوکراینی است که کشور را برای درازمدت به هم پیوند می‌دهد. برخی از محققین ویژگی اصلی هویت اوکراینی را زبان، برخی دیگر قومیت و برخی دیگر ترکیبی از این دو می‌دانند. به عبارتی سیاست و هویت در اوکراین به بهترین وجه از منشور زبان یا قومیت قابل درک است. نقشه انتخاباتی اوکراین عنصر دیگری است که عمدتاً ناشی از تقسیم‌بندی مناطق

مختلف این کشور است. حمایت بخش‌های شرقی از روسیه و بخش غربی از نامزدها و احزاب غرب‌گرا نیز باعث چندپاره‌گی هویتی و سیاسی در اوکراین شده است. (Pop-Eleches, 2018: 109) در ذیل به بعضی از عناصر هویت ساز در اوکراین اشاره می‌شود:

الف) روسیه به مثابه دگر

اوکراین با اعلام استقلال در سال ۱۹۹۱، شروع به ساختن یک کشور ملی به شکل نظام سیاسی دموکراتیک و اقتصاد بازار آزاد کرد. مسئله هویت ملی به اولویت سیاست‌مداران و بخشی از استراتژی دولت‌سازی تبدیل شد با این حال، فقدان تجربه استقلال که با عدم اطمینان سیاسی و سقوط اقتصادی تشدید شد، آرزوهای ملت‌سازی را به حاشیه‌های دستور کار سوق داد. تا اوایل دهه ۲۰۱۰، هویت غالب در میان جمعیت اوکراین تا حد زیادی با ایده "دنیای روسی"^۱ یعنی جامعه‌ای خیالی مبتنی بر زبان روسی، فرهنگ روسی و گذشته باشکوه مشترک مرتبط بود. در نتیجه، به نظر می‌رسید که جامعه اوکراین متحد نبوده و مفهوم واقعی «ما» را نداشت. در جریان گذار، روسیه یک هویت ملی هژمونیک اتخاذ کرد و به تدریج به سمت استبداد حرکت کرد. در مقابل، بحث عمومی در مورد مسائل ملی در اوکراین منجر به ظهور ارزش‌های لیبرال و دموکراتیک‌تر شد که توسط بخش قابل توجهی از نخبگان سیاسی و جمعیت محلی پذیرفته شده بود. دو کشور هم‌چنان از نظر مذهب، تمدن، نزدیکی نژادی یا الگوهای رفتاری فرهنگی شباهت‌های مشترکی داشتند، اما نهادهای سیاسی و اقتصادی با توجه به ترجیحات‌شان تفاوت‌های چشم‌گیری داشتند.

اوکراین یک ملت "غیر تاریخی" است زیرا تسخیر اوکراین توسط مغول در قرن سیزدهم و بعداً تسلط لهستانی‌ها و روسیه، مانع از ایجاد دولت اوکراین شد. از آنجا که دولت مستقل در بیشتر تاریخ این کشور دست نیافتنی به نظر می‌رسید، ملی‌گرایی اوکراین متشکل از روشنفکرانی بود که «برنامه بازسازی» احیای فرهنگی و عدالت اجتماعی را دنبال می‌کردند. اما شاید سخت‌ترین مانع برای ایجاد هویت جداگانه در اوکراین، نزدیکی تاریخی، فرهنگی و مذهبی به روسیه بوده است. مردم روسیه همیشه با اوکراینی‌ها به‌عنوان «برادران کوچک‌تر» یا «عموزاده‌های روستایی» رفتار کرده‌اند. حکومت استعماری معمولاً خودانگاره‌های منفی را با خود به همراه می‌آورد که در طول زمان شکل گرفته و درونی می‌شوند این مساله، در مورد اوکراین باعث شد که

¹. Russian world

². country cousins

بخش قابل توجهی از مردم سنت‌های خود را رد کنند و در عین حال باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های استعمارگر را پذیرفتند و این امر منجر به نابودی فرهنگ و زبان و در نتیجه به انفعال و سندروم وابستگی انجامید. اغلب، اوکراینی‌ها به‌طور ضمنی مفهوم "برادری اسلاو"^۱ را بدون هیچ‌گونه سؤالی پذیرفتند. در این محیط پدرانه، اغلب ادعاهای ملی‌گرایانه اوکراین، هم توسط خود مردم و هم از سوی مقامات روسیه مورد تمسخر قرار می‌گرفت و سپس به‌شدت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت. برای مدت طولانی، روسیه نمی‌توانست خود را بدون اوکراین تصور کند که او را بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو تاریخی خود می‌دانست (Khrestin, 2002B: 55).

اوکراین پس از استقلال، شروع به جستجوی موجودیت جداگانه با توجه به تضاد بین هویت جمعی تحمیلی توسط روسیه و ترجیح محلی برای نهادهای لیبرال دموکراتیک کرد و دوباره مسائل هویت ملی را مطرح کرد. دولت در جستجوی مخرج مشترکی که جمعیت اوکراین را متحد کند، به زبان روی آورد. انتظار می‌رفت که با اتخاذ زبان واحد، شباهت بین گروه‌ها و ایجاد تفاوت‌ها با افراد خارج از جامعه ملی ایجاد شود. دولت با ارائه یک سیاست زبانی و اجرای آموزش عمومی یک زبانه، فعالانه زبان اوکراینی را به عنوان نماد ملیت در کشور ترویج کرد. (Chayinska, 2021) با گذشت زمان، آشکار شد که فرآیند ملت‌سازی از طریق زبان در مورد اوکراین ناکافی است.

جنگی که از سال ۲۰۱۴ در اوکراین رخ داد، کمک قابل توجهی به افزایش هویت ملی و غرور در میان جمعیت این کشور کرده است. تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که حضور یک متجاوز می‌تواند به‌طور مؤثری برای ملت‌سازی مورد استفاده قرار گیرد و ابزار مطلوبی در دستان سیاست‌مداران در فرآیند چارچوب‌بندی هویت است. تأثیر نهایی جنگ بر هویت و غرور ملی می‌تواند با درک شخصی که اوکراینی‌ها برای این درگیری قائل می‌شوند، مرتبط باشد. اگر افراد، این جنگ را به عنوان یک جنگ داخلی ببینند، احساس هویت و غرور ملی خود را بسیار تغییر می‌دهند. جنگ به عنوان یک درگیری داخلی تلقی نمی‌شود، بلکه یک درگیری ناشی از دیگران (دشمن خارجی) است و به‌عنوان یک تجاوز از خارج تلقی می‌شود که تعلق قوی به ملت و دولت اوکراین را تشویق می‌کند.

تغییرات هویت در اوکراین بعد از جنگ ۲۰۱۴ تشدید شد. این امر نمایان‌گر یک «گسست جدید در تاریخ معاصر این کشور و نقطه تبلور هویت‌ها، گفتمان‌ها و روایت‌ها برای دهه‌های آینده»

¹. Slavic Brotherhood

بود. از ۲۰۱۴ به بعد، منطقه دنباس در شرق این کشور با تأکید بر عناصر و مؤلفه‌های روسی درصدد خلق هویت جدید برای خود بود. «خط گسل اوکراین دیگر شرق در برابر غرب نبود، بلکه هویت اوکراینی در برابر هویت دنباس بود.» (Kuzio, 2022 A:2).
در سال ۲۰۲۰، درگیری بین روسیه و اوکراین شدیدتر شد و روسیه نیروهای خود را در نزدیکی مرزهای شرقی اوکراین متمرکز کرد و آنچه از تحولات اخیر در روابط اوکراین و روسیه به نظر می‌رسد، این است که تهاجم نظامی روسیه به جای فروپاشی دولت اوکراین، وضعیت نزدیکی به غرب را تشدید کرد (McGlynn, 2020: 1066).

ب) ملی‌گرایی

در دنیای مدرن، گریزی از ملی‌گرایی وجود ندارد. ایده ملی به چنان سطحی از هژمونی ایدئولوژیک دست یافته است که جزء لاینفک هویت اکثر افراد شده است. ملی‌گرایی حول این باور می‌چرخد که ملیت اساسی‌ترین هویت اجتماعی است و به این ترتیب باید در شکل سیاسی از طریق دولت-ملت تثبیت شود. در ملی‌گرایی اجتماعی، ملت‌ها خود را «با پیوندهای اجتماعی و فرهنگ به جای تبار مشترک» تعریف می‌کنند، اگرچه ملی‌گرایی اجتماعی بر حس مشترک هویت ملی، جامعه و فرهنگ تأکید می‌کند. رویکرد ملی‌گرایی اجتماعی نخبگان اوکراینی نیز برای دفاع در برابر حملات خارجی به تمامیت ارضی دولت مفید بوده است. در حالی که نخبگان اوکراینی نگران بهبود رفتار با شش میلیون هم‌وطن خود در خارج از کشور هستند، آنها تمایلی به ادغام افرادی که در مناطق هم‌جوار از نظر سرزمینی زندگی می‌کنند یا به دنبال اعمال نفوذ ناروا بر سیاست داخلی کشورهایی که دارای اقلیت‌های مهم اوکراینی هستند را نشان نداده‌اند. دولت اوکراین نه اقدامی برای ارسال تسلیحات به اوکراینی‌ها در مولداوی انجام داده است و نه به دنبال تجهیز و صدور شبه‌نظامیان اوکراینی به منطقه است، حتی اگر فشار سیاسی داخلی، هرچند جزئی، برای این کار وجود داشته باشد (Furtado, 1994:93).

ریشه ملی‌گرایی اوکراینی به اواسط قرن نوزدهم بازمی‌گردد. این جنبش پس از ظهور جنبش‌های ملی در کشورهای اروپای شرقی شکل گرفت و تا حد زیادی مدیون نفوذ آنهاست. تا آغاز قرن بیستم، جنبش ملی اوکراین عمدتاً تاریخ مبارزه سه پروژه هویت ملی (اوکراینی) است که هر یک به روش خود خطوط کلی و اصول روابط بین اوکراین و روسیه را تعیین می‌کند. از نظر تاریخی، اولین پروژه هویت پان‌اسلاوی بود. در محدوده آن، اوکراین و روسیه بخشی از جهان مشترک اسلاو یعنی؛ اشتراکات فرهنگی، مذهبی و ملی خاص مردم اروپای شرقی بودند که در

درازمدت نیز به‌عنوان یک جامعه سیاسی بالقوه در نظر گرفته می‌شود. اندکی پس از آن، پروژه هویت قومی-فرهنگی خاص اوکراینی، متفاوت و مخالف هویت روسی، به‌عنوان جوامع ملی متفاوت در نظر گرفته شد. سرانجام، تحت تأثیر توسعه ملی‌گرایی روسی و واکنش به توسعه ملی‌گرایی قومی اوکراینی پروژه سوم، پروژه هویت «روس کوچک»^۱ شکل گرفت. این پروژه براساس ایده تاریخ سیاسی مشترک روسیه (روسیه بزرگ) اوکراین (روسیه کوچک) و بلاروس (روسیه سفید) که همگی از قرون وسطی از «روسیه کیوان»^۲ سرچشمه می‌گرفتند و دارای اشتراکات مذهبی (مسیحیت ارتدوکس) و زبانی هستند، شکل گرفت (Kiryukhin, 2015 A: 1).

ملی‌گرایی معاصر اوکراین پدیده‌ای ناهمگون است. همانند سایر جنبش‌های ملی، هم جریان‌های رادیکال و هم جریان‌های لیبرال در آن حضور دارند. همه آن‌ها در یک دوره طولانی، از جمله در زمان اتحاد جماهیر شوروی، شکل گرفتند. در ظاهر، ممکن است به‌نظر برسد که ملی‌گرایی اوکراینی در طول دوره هفتاد ساله شوروی فقط به‌عنوان یک جنبش زیرزمینی توسعه یافته است. شایان ذکر است که برای سال‌ها پس از پایان جنگ جهانی دوم در مناطق غربی اتحاد جماهیر شوروی، ملی‌گرایان اوکراین هم‌چنان جنگ‌های چریکی را علیه شوروی به‌راه انداختند.

ج) زبان اوکراینی

سیاست زبان، بخش اساسی از هویت‌سازی ملی در اوکراین است. نتایج تجربی نشان می‌دهد که زبان باید به‌عنوان یک عامل مشترک در نظر گرفته شود که می‌تواند جمعیت اوکراین را متحد کند (Larysa, 2021: 17). زبان که از لحاظ تاریخی به‌عنوان نشانگر اصلی هویت ملی اوکراین تثبیت شده است. زبان در مورد اوکراین یکی از آن عوامل آشکاری است که در محدوده سیاست هویتی، اجازه می‌دهد بین «ما» و «آنها» خط بکشد. در مورد ما، این ابتدا به‌معنای تمایز بین «ما» است. اوکراینی‌ها و روس‌ها (Kiryukhin, 2015B: 5).

سیاست زبانی، که توسط دولت به‌عنوان ابزاری برای اعمال هویت ملت اوکراین استفاده می‌شود، می‌تواند شرط لازم برای تقویت قیام ملی باشد. هم‌ذات‌پنداری با یک ملت مستلزم آن است که افراد با هم‌شهریان خود پیوندهای مشترکی را احساس کنند و این پیوندها می‌تواند از زبان مشترک شروع شود. (Larysa, 2021: 8)

¹. Little Russia

². Kievan Rus

سیاست خارجی اوکراین در قبال کنش‌گران بین‌المللی

اوکراین در گذشته عرصه رویارویی مکرر فرهنگی و ژئوپلیتیکی بین جوامع عشایری و کشاورزی، گرفتار بین اروپا و آسیا، کمونیسم و ملی‌گرایی و مواجهه با غرب کاتولیک و شرق ارتدکس بوده است. دوقطبی شرق-غرب، بین بخش غربی و شرق تحت سلطه تزار/شوروی و تغییر مداوم مرزهای سرزمینی به موقعیت این کشور به عنوان یک مرز سیاسی کمک کرده است (Kessinger, 2014). اهمیت اوکراین فراتر از این واقعیت است که این منطقه دومین دولت بزرگ اروپا از نظر مساحت است و بیشترین بخش آن بر دشت اروپای شرقی تسلط دارد و موقعیت ژئوپلیتیک آن عنصری مهم تلقی می‌شود. این کشور از آنجایی که در منطقه بین اروپای مرکزی و روسیه قرار دارد، نقش مهمی در ثبات منطقه‌ای دارد (Stork, 2015:38). در این قسمت سیاست خارجی اوکراین در قبال کنش‌گران بین‌المللی بر اساس دو مؤلفه «ژئوپلیتیک» و «عناصر هویت ملی» مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) روسیه

سیاست خارجی اوکراین در قبال روسیه در راستای پایان دادن به جنگ جاری در چشم‌انداز کوتاه مدت و هم‌چنین جستجو برای قالب‌های احتمالی هم‌زیستی در آینده بلندمدت بستگی دارد. اولویت‌های اصلی مقابله با تجاوز روسیه در مناطق شرقی اوکراین، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی کریمه، دونتسک و مناطق لوهانسک، بازگرداندن حاکمیت اوکراین بر مرزهای این کشور و ادغام مجدد سرزمین‌های اشغالی است. اثبات مسئولیت تجاوز نظامی روسیه، اشغال کریمه، جنایات در مناطق دونتسک و لوهانسک، نقض حقوق بشر و جنایات جنگی چه از طریق اسناد حقوقی بین‌المللی و چه از طریق رژیم تحریم در سطوح دوجانبه و چندجانبه، از مهم‌ترین اهداف در حوزه سیاست خارجی این کشور است (Gaber et al, 2020A:7).

اوکراین نقش مهمی در تصویرسازی امپراتوری و ژئوپلیتیک روسیه ایفا می‌کند. کرملین با ممانعت از ادغام در اتحاد‌های امنیتی غربی و اتحادیه‌های اقتصادی، سعی دارد اوکراین و سایر همسایگان را وادار کند که هژمونی منطقه‌ای روسیه را به رسمیت بشناسند. برای کرملین، اعمال کنترل بر همسایگان پس از فروپاشی شوروی، یک هدف سیاسی، اقتصادی و نمادین است.

به لحاظ ژئوپلیتیک انتخاب‌های سیاست خارجی اوکراین تا حدی با موقعیت مکانی، میراث شوروی و گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق از پیش تعیین شده است. سیاست خارجی اوکراین با این درک شکل گرفته است هم‌زمان با اجتناب از «پروژه‌های ژئوپلیتیکی

نئوامپریالیستی^۱»، با سازمان‌های امنیتی و اقتصادی همکاری کند. اوکراین ضمن اجتناب از تعهد به سازمان‌های تحت رهبری روسیه، همکاری چند جانبه را با سایر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را توسعه داده است و سیاست «همسایه خوب» در برابر روسیه برای حفظ صلح ضروری توصیف شده است (Shyrokykh, 2018A: 13).

اوکراین برای حل و فصل اختلافات با روسیه با بین‌المللی کردن مسائل خود، در صدد است بازیگران دولتی و غیردولتی را در این منازعه وارد نماید. به همین دلیل از کنش‌گرانی مثل امریکا یا از سازمان‌هایی مثل سازمان ملل متحد، ناتو، اتحادیه اروپا کمک می‌گیرد. اوکراین در برابر تهدیدهای روسیه اقدامات ترکیبی از جمله همکاری با شرکای ناتو در چارچوب برنامه‌های ملی سالانه، تشدید همکاری‌های نظامی-فنی دوجانبه با ایالات متحده، کانادا و سایر کشورهای عضو ناتو و گسترش همکاری با ساختارهای دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا را در پیش گرفته است.

از دیدگاه روس‌ها، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک اوکراین، دروازه ورود به جهان غرب است و تسلط غرب بر این کشور امنیت روسیه را با خطر مواجهه می‌نماید. به همین دلیل، روسیه پیوستن اوکراین به ناتو را عبور از خط قرمز خود تلقی می‌کند. در این باره، برخی صاحب‌نظران چون جان مرشایمر معتقدند: «ریشه اصلی بحران، گسترش ناتو است. عنصر اصلی این استراتژی خارج کردن اوکراین از مدار روسیه و ادغام آن با غرب است. روسیه با تصرف شبه جزیره کریمه می‌تسید این شبه جزیره میزبان پایگاه دریایی شود. روسیه تلاش می‌کند اوکراین را بی‌ثبات کند تا از پیوستن به غرب خودداری نماید.» (Mearsheimer, 2014: 1).

برای اوکراینی‌ها، زندگی به‌عنوان یک کشور بی‌طرف در مجاورت روسیه، یک وضعیت ایده آل نیست اما با توجه به موقعیت جغرافیایی‌اش، این بهترین نتیجه‌ای است که اوکراین می‌تواند به‌طور واقع‌بینانه انتظار داشته باشد. مطمئناً این وضعیت بسیار بهتر از وضعیتی است که اکنون اوکراینی‌ها در آن قرار دارند. شایان ذکر است که اوکراین از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ عملاً بی‌طرف بود. سالی که ناتو به‌طور غیرعقلانی اعلام کرد که اوکراین به این ائتلاف خواهد پیوست. (Walt, 2022:2)

در یک چشم انداز بلندمدت، اوکراین به‌دنبال توسعه روابط صلح آمیز، سازنده و متقابل سودمند با روسیه به عنوان بزرگ‌ترین همسایه است. این تنها شکل رسمی روابط دوجانبه است که هر دو کشور را قادر می‌سازد که نقشی همه‌جانبه در سیستم امنیت منطقه‌ای و جهانی ایفا کنند. اما در مقابل، روسیه نیز سیاست‌گذاری خارجی خاص خود را در قبال اوکراین داشت و

¹. Neo-imperialist geopolitical projects

برای تأثیرگذاری بر ترجیحات سیاست خارجی اوکراین، تا حد زیادی بر ابزارهای قدرت سخت، از جمله وابستگی‌های متقابل اقتصادی و صادرات انرژی و همچنین تدوین تهدیدهای امنیتی خاص توجه کرد. برخی از استراتژی‌های قدرت نرم نیز از اواسط دهه ۲۰۰۰ مورد توجه قرار گرفت، به‌ویژه پس از انقلاب نارنجی، کرملین از ضرورت اعمال قدرت نرم در اوکراین آگاه شد. مثلاً مردم اوکراین و روسیه از یک نژاد و فرهنگ و دارای تاریخ مشترک معرفی شدند. اما نظام سیاسی این کشور با تبلیغات کرملین به‌عنوان یک دولت هوادار فاشیست و نئونازی معرفی شد (Zvere, 2015:9).

از دیدگاه روسیه، ترویج ارزش‌های دموکراتیک در اوکراین با منافع ملی روسیه در تضاد است. روسیه بر این باور است که اگر اوکراین به ناتو بپیوندد یا بخشی از جامعه متخاصم یورو-آتلانتیک شود، این کشور هرگز نمی‌تواند امن باشد. بنابراین نخبگان روسی با توجه به منطق ژئوپلیتیک و حفاظت از منافع ملی سیاست خارجی را در قبال اوکراین تنظیم می‌کنند. اهداف سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین عبارتند از: وادار کردن اوکراین به پذیرش نسخه روسی «حل‌وفصل» درگیری منطقه دونباس؛ به رسمیت شناختن شبه جزیره کریمه به‌عنوان جزئی از روسیه؛ اوکراین از ایده پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا چشم‌پوشی کند.

روسیه با پیش‌فرض تهدیدبودن اوکراین، درصدد محدود کردن حاکمیت اوکراین، خدشه به تمامیت ارضی و جلوگیری از تحول دموکراتیک در این کشور است. در مقابل، هدف اوکراین ادغام مجدد سرزمین‌هایی خواهد بود که کنترل بر آن‌ها به‌طور موقت از بین رفته است. اقدامات فدراسیون روسیه، از جمله اشغال کریمه که اصول حقوق بین‌الملل و مجموعه‌ای از معاهدات بین‌المللی را نقض کرده است، وضعیت کاملاً جدیدی را ایجاد کرده است. مشارکت استراتژیک به مخالفت استراتژیک تبدیل شده است و روسیه به تهدید اصلی برای امنیت ملی و دولت اوکراین تبدیل شده است. بنابراین، اوکراین مجبور است اقدام روسیه را به عنوان یک چالش بلند مدت و سیستماتیک در نظر بگیرد.

هدف اصلی کرملین، تضمین این مساله هست که بلاروس، اوکراین و گرجستان هرگز به یک بلوک نظامی یا اقتصادی غیر از بلوک‌هایی که مسکو کنترل می‌کند، محلق نشوند و روسیه داور نهایی سیاست خارجی و امنیتی هر سه کشور باشد. در اصل، این درگیری در مورد این است که آیا ۳۰ سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های قومی سابق آن می‌توانند به عنوان دولت‌های مستقل و دارای حاکمیت ملی زندگی کنند یا این‌که هنوز باید مسکو را به عنوان

حاکمیت واقعی خود بشناسند. ظاهراً، تقاضا برای یک حوزه انحصاری روسیه است. کرملین گسترش ناتو به شرق را گناه اصلی غرب در روابط بین‌الملل پس از شوروی معرفی کرده است که اکنون باید اصلاح شود. این امر باعث نگرانی کشورهای در این مناطق شده است. مسکو مدعی است که بدون چنین تضمینی، از نیروی نظامی برای حفاظت از منافع امنیتی خود استفاده خواهد کرد (Wasielowski and Jones, 2022: 2).

ب) اتحادیه اروپا

از آنجایی که اوکراین در اروپا واقع شده است، در حال حاضر یک عنصر مهم از سیستم امنیتی منطقه‌ای است و تمایل دارد به بخشی جدایی‌ناپذیر از سایر حوزه‌های زندگی اروپایی تبدیل شود. اوکراین مشتاق عضویت کامل در اتحادیه اروپا است و درصدد است بخشی ارگانیک از این جوامع باشد. این امر از درک هویتی، هنجاری و سیاسی اتحادیه اروپا سرچشمه می‌گیرد. منافع استراتژیک اتحادیه اروپا و اوکراین در تبدیل اروپای شرقی به منطقه ثبات، امنیت و توسعه است. این امر می‌تواند یک سازوکار قابل اعتماد برای همکاری باشد. کشورهای اروپای مرکزی و شرقی دارای منافع مشترک با اوکراین در طیف وسیعی از جنبه‌ها و هم‌چنین کشورهای اروپایی منطقه دریای سیاه هستند. تعمیق همکاری با آن‌ها در چشم انداز بلندمدت می‌تواند سهم قابل توجهی در تقویت امنیت منطقه‌ای داشته باشد. نخبگان فرهنگی اوکراین تحت سلطه دیدگاه‌های «دموکراتیک ملی» یعنی لیبرال و راست میانه، درصدد ایجاد پیوندهای نزدیک با گروه‌های جامعه مدنی و احزاب سیاسی دموکراتیک ملی در اروپا هستند. آن‌ها از گسترش استفاده از زبان اوکراینی، نمادهای ملی و «بازگشت اوکراین به اروپا» حمایت می‌کنند (Kuzio, 2006B: 411).

اوکراین تلاش‌های زیادی برای پیوستن به اتحادیه اروپا انجام داد. این امر در قالب «گفت‌وگوی سیاسی اتحادیه اروپا-اوکراین»^۱ انجام می‌شود. «حمایت از ادغام اوکراین در میان مقامات این کشور وجود دارد. اما از سوی دیگر، کاهش قابل توجهی در اجرای هنجارها و استانداردهای اتحادیه اروپا از لحاظ عملی وجود داشته است. اصلاحات طولانی و بحران قانون اساسی که بعد از انتخابات محلی در این کشور رخ داد، جزیی از این مسائل است. (Friedrich, Ebert Foundation, 2021:69)

غرب‌گرایان در اوکراین در جهت ارتباط با غرب (امریکا و اروپا) هنجارها و ارزش‌های غربی را در توجیه جهت‌گیری سیاست خارجی برجسته کرده‌اند. از این‌رو، در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست

^۱. EU-Ukraine political dialogue

خارجی اوکراین بر اساس گشایش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با تأکید بر دموکراسی‌سازی، حقوق بشر جهانی و هنجارهای بین‌المللی اعلام شد و اتحادیه اروپا را به‌عنوان یک الگو برای پیروزی معرفی کرد. بنابراین، دیدگاه فرهنگی و هویتی نقش مهمی در شکل دادن به اروپایی شدن سیاست خارجی اوکراین دارد. هویت اوکراین مبتنی بر ارزش‌های اروپایی است و انتظار می‌رفت که توسعه روابط با کشورهای غربی شرایطی را برای بازیابی روابط تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی با تمدن اروپایی ایجاد می‌کند. اوکراین با تأکید بر پیوندهای تاریخی با اروپا خود را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تمدن غربی می‌داند اما این امر با مخالفت روسیه مواجه شده است.

«انقلاب کرامت»^۱ در فوریه ۲۰۱۴، تغییر جامعه اوکراین را به سمت اتحادیه اروپا تقویت کرد. بنابراین به‌عنوان یک انتخاب ژئوپلیتیک و تمدنی معرفی شد. این انتخاب به‌شدت با روند در حال بازسازی ملت و دولت اوکراین بر اساس اعتبار مدنی درهم‌تنیده است. بر اساس بسیاری از نظرسنجی‌ها، حمایت جامعه اوکراین از الحاق به اتحادیه اروپا پس از انقلاب کرامت به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. اگرچه این روند پس از انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ آغاز شده بود، در پاییز ۲۰۱۴ به بالاترین سطح رسید. افزایش حمایت الحاق به اتحادیه اروپا را می‌توان تحت تاثیر یورو میدان و جنگ دفاعی در برابر تجاوز روسیه دانست. از سوی دیگر، اوکراین از نظر منطقه‌ای عمیقاً بین غرب، مرکز، شرق و جنوب تقسیم شده است. می‌توان گفت که غرب و تا حدی مرکز دارای جهت‌گیری آشکار طرفدار اتحادیه اروپا هستند و جنوب و شرق به‌شدت در این موضوع اختلاف دارند. شدیدترین مخالفت با ادغام اتحادیه اروپا در شهرهای بزرگی مانند اودسا و خارکف وجود دارد، جایی که حدود ۵۰ درصد رای دهندگان عضویت را تایید نمی‌کنند و تنها ۳۰ درصد چراغ سبز نشان می‌دهند (Balcer, 2018:2).

در سال ۲۰۱۷، اتحادیه اروپا به شهروندان اوکراینی اجازه ورود بدون ویزا به برای رفت‌وآمد آزاد را داد، این امر به افراد اجازه می‌دهد که بدون بررسی گذرنامه بین اکثر کشورهای اروپایی سفر کنند. همچنین اتحادیه اروپا تامین کننده اصلی کمک‌های خارجی به اوکراین است که در مجموع بیش از ۱۳ میلیارد یورو (حدود ۱۴.۲ میلیارد دلار) وام و ۲ میلیارد یورو (۲.۲ میلیارد دلار) کمک‌های بلاعوض از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بوده است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰، اعلام کرد که بیش از ۱۹۰ میلیون یورو (۲۰۵ میلیون دلار) به‌عنوان حمایت اضطراری به اوکراین برای مقابله با همه‌گیری کووید-۱۹ ارائه می‌کند. اتحادیه اروپا متعاقباً ۱.۲ میلیارد یورو (۱.۳ میلیارد

^۱. Dignity Revolution

دلار) وام دیگر برای کمک به "محدود کردن پیامدهای اقتصادی" بیماری همه‌گیر ارائه کرد. (Welt, 2021, A: 27)

غرب‌گرایان به رهبری زلنسکی بعد از پیروزی در انتخابات ۲۰۱۹ و شکست پتروروشنکو، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. روسیه با پیروزی زلنسکی، ظهور و تقویت غرب‌گرایان در جامعه اوکراین (حیات خلوت روسیه) را نتوانست تحمل نماید. در سال ۲۰۱۹، طبق متمم قانون اساسی، دولت مسئول اجرای «مسیر استراتژیک» برای عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو شد. اولین سفر خارجی زلنسکی به عنوان رئیس جمهور به بروکسل بود، جایی که او مجدداً بر «مسیر استراتژیک اوکراین برای دستیابی به عضویت کامل در اتحادیه اروپا و ناتو» تأکید کرد. چارچوب اصلی اتحادیه اروپا برای تعامل سیاسی و اقتصادی با اوکراین، توافق نامه انجمن است که هماهنگی با قوانین و مقررات اتحادیه اروپا و شامل یک منطقه تجارت آزاد عمیق و جامع است (Shyrokyk, 2018B: 18).

در سال ۲۰۱۹ مقامات اوکراینی در تمام سطوح بر تغییر قانون اساسی جهت عضویت در اتحادیه اروپا تأکید کردند و حرکت اوکراین به سمت عضویت در این اتحادیه را به عنوان یک مسیر استراتژیک تثبیت کردند. هم‌چنین مطابق با استراتژی امنیت ملی که در ۲۰۲۰ تصویب شد اوکراین به دنبال انطباق با معیارهای اروپایی جهت ادغام اقتصاد ملی در منطقه اقتصادی اروپا و انطباق با معیارهای کپنهاگ می‌باشد.

از زمان بروز بحران در مرز روسیه و اوکراین در سال ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا با حمایت بیش از ۱۷ میلیارد یورو عمدتاً به اوکراین در کاهش شدید وابستگی اقتصادی این کشور به همسایه متخاصم خود روسیه کمک کرده است. توافق نامه اتحادیه اروپا و اوکراین در سال ۲۰۱۴ منجر به تبدیل شدن اتحادیه اروپا به بزرگترین شریک تجاری اوکراین و پیشی گرفتن از روسیه شده است. اما چیزی که بر روابط اتحادیه اروپا و اوکراین سایه افکنده است، معادله اقتصادی اتحادیه اروپا و روسیه است. اتحادیه اروپا با ۳۷.۳ درصد از کل تجارت کالای این کشور در سال ۲۰۲۰، بزرگترین شریک تجاری روسیه است. بنابراین، اتحادیه تلاش کرده است از ابزار تحریم‌های اقتصادی استفاده کند تا روسیه را از هرگونه ماجراجویی بیشتر در اوکراین و همسایگی آن باز دارد. (Khatu, 2022: 1)

به طور کلی، تلاش‌های دیپلماسی اوکراین، به‌ویژه در سطح وزارت امور خارجه، برای اطمینان از حفظ فشار اقتصادی اتحادیه اروپا بر روسیه؛ تمدید تحریم‌ها بر سر الحاق کریمه؛ تجاوز در شرق اوکراین و جذب کمک‌های مالی کلان اقتصادی متمرکز هست.

ج) آمریکا

هدف اصلی اوکراین در ایجاد روابط دوجانبه با ایالات متحده، حفظ نقش واشنگتن به‌عنوان یک تامین‌کننده کلیدی امنیت، هم از نظر تامین تسلیحات و هم از نظر تضمین‌های امنیتی رسمی است. ضمانت‌های رسمی شامل اعطای وضعیت متحد اصلی غیر ناتویی به اوکراین می‌شود که قبلاً چندین سال در اوکراین مورد بحث بوده است. این امر فرصت‌های قابل توجهی برای همکاری با وزارت دفاع، خرید تسلیحات، همکاری فنی نظامی و غیره ایجاد می‌کند. به‌طور کلی، ایالات متحده در طول سال‌ها به‌طور مداوم از اوکراین حمایت کرده است، احساسات طرفدار اوکراین در ایالات متحده اغلب بسیار قوی‌تر از بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است.

سیاست ایالات متحده حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین در مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی است. متحدان غربی به‌طور قابل توجهی در پاسخ به سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه، حمایت خود را از این کشور افزایش دادند. رویکرد کلی آن‌ها تأکید بر تعهد به حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین و کمک نظامی به نیروهای مسلح اوکراین بوده است. تشکیل نیروهای نظامی روسیه در کریمه و در مرزهای شرقی اوکراین در طول سال ۲۰۲۱، بار دیگر ماهیت حمایت غرب از این کشور را مورد توجه قرار داد. برای اولین بار، چندین کشور، از جمله بریتانیا تسلیحات دفاعی به اوکراین ارسال کردند (Milles, 2022A:2).

استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۰ اوکراین، همکاری با ایالات متحده آمریکا را به‌عنوان یک اولویت استراتژیک در زمینه تضمین استقلال، حاکمیت، پیشرفت دموکراتیک و توسعه اوکراین تعریف می‌کند. هم‌چنین دکترین نظامی ۲۰۱۵ به اهمیت همکاری استراتژیک و بر نقش حمایتی آمریکا در حل و فصل درگیری مسلحانه در شرق اوکراین تأکید می‌کند. (Friedrich Ebert Foundation, 2021:53) همکاری‌های امنیتی، مقابله با اقدامات تهاجمی روسیه و تحریم این کشور و جلوگیری از راه‌اندازی نورد استریم ۲ از موضوعات کلیدی گفت‌وگو بین دو کشور در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ بود.

از موضوعات مهم مورد توجه آمریکا و اوکراین، تداوم اصلاحات داخلی و مقابله با تجاوز روسیه می‌باشد. در سال ۲۰۲۰، روابط دو کشور در چارچوب «حمایت از تحریم‌های آمریکا علیه فدراسیون روسیه؛ ادامه کمک‌های امنیتی و مالی ایالات متحده برای اصلاحات و حفظ حمایت دو حزب اصلی (دموکرات و جمهوری خواه در آمریکا) از اوکراین» ساماندهی شده بود. در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، اوکراین موفق به ایجاد ثبات در روابط با ایالات متحده شد. این امر یک نتیجه

مثبت برای سیاست خارجی اوکراین در جهت تعامل با آمریکا است. نتیجه این تعامل در درجه اول، تحریم‌ها علیه روسیه؛ ادامه کمک‌های مالی و فنی به بخش دفاعی؛ اصلاحات دموکراتیک در اوکراین؛ مبارزه با فساد و حمایت سیاسی تزلزل‌ناپذیر از اوکراین در قالب‌های چندجانبه بود. در سال ۲۰۲۲ ایالات متحده و متحدینش از جمله شرکای اروپایی جهت مقابله با تهاجم روسیه به اوکراین، بر اقدامات فوری اقتصادی، فعالیت‌های دیپلماتیک، کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و بشردوستانه و تقویت دفاع در امتداد جناح شرقی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تاکید کردند.

در جریان سفر زلنسکی به واشنگتن، در سپتامبر ۲۰۲۱، ایالات متحده و اوکراین بیانیه‌های مشترکی را در مورد مشارکت استراتژیک و تقویت همکاری دوجانبه انرژی و آب‌وهوا منتشر کردند. مقامات دو کشور چارچوب دفاعی استراتژیک جدید و یک توافق‌نامه تحقیق، توسعه، آزمایش و ارزیابی دفاعی و هم‌چنین یک یادداشت‌تفاهم با هدف افزایش همکاری تجاری و اقتصادی امضا کردند. مقامات آمریکایی هم‌چنین از تمدید توافق‌نامه علم و فن‌آوری ایالات متحده و اوکراین و ایجاد یک خط ارتباطی امن جدید از طریق مرکز ملی و کاهش ریسک هسته‌ای خبر دادند. به گفته مقامات دولت بایدن، در ۳۰ سال پس از استقلال اوکراین، شراکت استراتژیک واشنگتن و کیف هرگز قوی‌تر از اکنون نبوده است (Welt, 2021B:28).

دولت بایدن تمرکز خود را جلوگیری از تکمیل خط لوله نورد استریم ۲ قرار داده است. این امر شامل صدور بیانیه مشترک ایالات متحده و آلمان در ژوئیه ۲۰۲۱ می‌شود که از جمله تعهد می‌کند امنیت انرژی اوکراین را تقویت کند و از تحریم‌ها در پاسخ به اقدامات تجاوزکارانه روسیه به اوکراین حمایت کند.

اولویت استراتژیک برای سیاست خارجی اوکراین همکاری با ایالات متحده آمریکا می‌باشد. به‌طور خلاصه، روابط دوجانبه اوکراین و ایالات متحده بر اساس موارد زیر است:

- منافع استراتژیک مشترک در جهت مقابله با تروریسم بین‌المللی؛
- تعهد به هنجارهای دموکراتیک؛
- علاقه متقابل به حفظ وحدت فرا آتلانتیک و تقویت امنیت در اروپا؛
- استفاده اوکراین از موقعیت و نفوذ ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی در جهت تقویت ظرفیت قدرت و جایگاه این کشور در نظام بین‌المللی؛
- حمایت ایالات متحده در جهت تقویت امنیت ملی اوکراین؛

- تقویت نهادهای دولتی و هنجارهای دموکراتیک؛
- تبدیل شدن اوکراین به شریک پایدار و قابل اعتماد ایالات متحده در حفظ امنیت منطقه‌ای، حل و فصل مناقشه و پیش‌گیری، ضد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای؛ (U.S. Department of State, 2021).

د) اوکراین - ناتو

یکی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی اوکراین، ادغام در ارزش‌ها و هنجارهای یوروآتلانتیک و متعهد بودن به تقویت وحدت فرا آتلانتیک است. از دیدگاه اوکراین، ناتو قابل اعتمادترین سیستم امنیتی در جهان مدرن است که سطح بالایی از حفاظت از حاکمیت و تمامیت ارضی اعضای خود را تضمین می‌کند. با این پیش‌فرض، به‌دست آوردن عضویت کامل در ناتو یک هدف استراتژیک برای این کشور محسوب می‌شود.

روابط ناتو و اوکراین را «یکی از اساسی‌ترین مشارکت‌های ناتو» می‌باشد. اوکراین به‌عنوان یک شریک در سال ۱۹۹۱ به شورای همکاری آتلانتیک شمالی ناتو پیوست. اوکراین اولین کشور پسا شوروی (پس از کشورهای بالتیک) بود که به مشارکت برای صلح پیوست. کمیسیون ناتو-اوکراین در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد که مجمعی است که از طریق آن مشاوره بین متحدان ناتو و اوکراین در مورد مسائل امنیتی انجام می‌شود. نگرانی‌ها در مورد بحران اوکراین از سال ۲۰۱۴ به‌طور مکرر در این مجمع با تعهدات همه طرف‌ها مبنی بر «تشدید همکاری و ارتقای اصلاحات دفاعی از طریق ظرفیت‌سازی و برنامه‌های توسعه توانمندی» مورد بحث قرار گرفته است. از سال ۲۰۱۶، حمایت عملی ناتو از اوکراین در سند جامع بیان شده است (Milles, 2022, B: 3).

اوکراین هم‌چنین با چالشی برای عضویت در ناتو مواجه است. در سال ۲۰۰۸، اعضای ناتو رسماً موافقت کردند که اوکراین و گرجستان به عضویت ناتو درآینده اما هیچ‌کدام از این دو کشور مسیر مشخص یا جدول زمانی مشخصی برای عضویت ندارند. خود اوکراینی‌ها بر سر عضویت در ناتو اختلاف نظر دارند.

نخبگان اوکراینی در مورد پیوستن یا عدم پیوستن به ناتو، سیاست خارجی را به‌تدریج به‌سمت قطبی‌شدن سوق دادند. نخبگان غرب‌گرا منافع ملی را در پیوستن به نهادهای غربی و نخبگان طرفدار روس، اتحاد با روسیه و نهادهای زیر مجموعه این کشور را مفید ارزیابی می‌کردند. مثلاً یانو کوویچ، رئیس‌جمهور سابق اوکراین (یکی از نخبگان روسوفیل) با تأکید بر راهبرد غیرتعهد در سیاست خارجی، عضویت در ناتو را خلاف منافع ملی می‌دانست. اما پارلمان اوکراین

در سال ۲۰۱۴، پس از تهاجم روسیه وضعیت غیرتعهد را رد کرد. در سال ۲۰۱۶، ناتو یک بسته کمک جامع را برای اوکراین «جهت اصلاحات در بخش امنیتی و دفاعی مطابق با استانداردهای ناتو» تایید کرد. این کمک شامل چندین پروژه «برای حمایت از توسعه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سازی پایدار در زمینه‌های کلیدی است». در ژوئن ۲۰۲۰، اوکراین به یکی از شرکای فرصت‌های پیشرفته ناتو تبدیل شد. اوکراین از عملیات‌های حفظ صلح ناتو (مانند حمایت قاطع در افغانستان، ماموریت دریایی عملیات مبارزه با تروریسم و عملیات ضد دزدی دریایی) حمایت می‌کند. (Kuleba, 2021)

در یک نظرسنجی مندرج در روزنامه واشنگتن پست در سال ۲۰۱۴، حدود ۴۰-۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اوکراینی از عضویت در ناتو حمایت کردند. (در مقایسه با ۳۰-۲۵ درصد مخالف). این نظرسنجی‌ها مناطق شبه جزیره کریمه و مناطق تحت کنترل روسیه در شرق اوکراین را شامل نمی‌شود، جایی که حمایت از عضویت در ناتو حتی در صورت عدم وجود درگیری احتمالاً کمتر خواهد بود. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که اوکراینی‌ها خواهان روابط خوب هم با ناتو و هم با روسیه هستند. اکثر اوکراینی‌ها موافق نیستند که کشورشان میزبان نیروهای خارجی و پایگاه‌های نظامی باشد. اوکراینی‌هایی بیزاری بیشتری نسبت به نیروها و پایگاه‌های روسیه دارند، این امر با توجه به این که روسیه کریمه را ضمیمه کرده و به‌طور فعال بن بست نظامی در دونباس را پیگیری می‌کند، موضوعی قابل درک است. نتایج سایر سؤالات ژئوپلیتیکی در نظرسنجی، این یافته‌ها را تقویت می‌کند که اکثریت اندکی (۵۰.۴ درصد) از پاسخ‌دهندگان با این گزاره که «بهتر است کشور ما موضع بی طرفانه اتخاذ کند، به هیچ ائتلاف نظامی نپیوندد» موافق بودند، ۳۲.۶ درصد نیز پاسخ منفی و ۱۷ درصد هم پاسخی ندادند (Toal et al, 2020).

عضویت اوکراین در ناتو با توجه به تجاوزات مداوم روسیه و سایر تهدیدها منطقه‌ای به‌طور گسترده به‌عنوان یک عامل کلیدی امنیتی به رسمیت شناخته شده است. این امر رسماً به‌عنوان اولویت دولت اوکراین اعلام شده است (که اکنون در قانون اساسی اوکراین نیز گنجانده شده است) و در میان اکثریت شهروندان اوکراینی مورد حمایت قرار گرفته است. از دیدگاه غرب‌گرایان، هیچ جایگزینی برای سیاست خارجی اوکراین در رابطه با ادغام یورو-آتلانتیک این کشور وجود ندارد. از سال ۲۰۱۴، زمانی که اوکراین قربانی تجاوز روسیه شد، اجرای اهداف ادغام یورو-آتلانتیک برای کی‌یف اهمیت وجودی پیدا کرد (Gaber et al, 2020, B:8).

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی مستلزم اتخاذ یک دیدگاه واقع‌بینانه و رویکرد استراتژیک در جهت حفاظت از حاکمیت و خنثی کردن تهدیدها کلیدی است. بیش از سه دهه از استقلال اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی می‌گذرد. از سال ۱۹۹۱ که این کشور مستقل شد تا سال ۲۰۲۲، تحولات عظیمی در عرصه داخلی و خارجی این واحد سیاسی اتفاق افتاده و در مواردی استقلال و تمامیت ارضی کشور را با چالش مواجه نمود. بنابراین، مطالعه و بررسی وقایع و سیاست خارجی این کشور برای محققان، آموزنده و به لحاظ کاربردی برای سایر کشورها و خصوصاً نخبگان اجرایی درس آموز است. در این پژوهش، تلاش شد براساس دو مؤلفه هویت و ژئوپلیتیک قدرت، سیاست خارجی اوکراین در قبال کنش‌گران بین‌المللی مثل اتحادیه اروپا، ناتو، روسیه و آمریکا مورد بررسی قرار گیرد.

دستیابی اوکراین به استقلال در سال ۱۹۹۱، باعث شد که گرایش به سمت کسب هویت ملی تقویت شود. در ابتدا قرن بیست‌ویکم نیز حوادثی در این کشور رخ داد که منجر به تشدید هویتی شد. جدا شدن شبه جزیره کریمه، حوادث میدان اروپا در سال ۲۰۱۴، دخالت و حمایت روسیه از نخبگان حامی اش و در نهایت حمله نظامی به اوکراین در سال ۲۰۲۲، باعث تقویت مؤلفه‌های هویتی شد و این امر باعث شد که نخبگان غرب‌گرا در جهت تقویت غرب‌گرایی در این کشور و تشدید روس‌هراسی گام بردارند. از سوی دیگر نخبگان هوادار روس نیز با حمایت روسیه و استفاده از اقلیت روس‌تبار و زبان روسی به برجسته کردن اشتراکات هویتی و تاریخی با روسیه کردند. همین امر باعث قطبی‌شدن فضای سیاسی و هویتی در داخل و در نهایت تسری آن به حوزه سیاست خارجی شد.

موقعیت جغرافیایی کشور اوکراین امتیاز و مزیت خاصی برای این کشور در عرصه سیاست خارجی ایجاد کرده است؛ به نحوی نخبگان اجرایی می‌توانند با تأکید بر آن در رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ به تأمین منافع و امنیت ملی این کشور بپردازند. اما در صورت عدم تنظیم استراتژی سیاست خارجی و فقدان مدیریت صحیح براساس مؤلفه ژئوپلیتیک قدرت، استقلال و تمامیت ارضی، کشور با خطر مواجه می‌شود. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که نخبگان اجرایی به سمت یکی از قدرت‌های بین‌المللی گرایش پیدا کنند. امری که مورد اوکراین رخ داد. زلنسکی رئیس‌جمهوری فعلی اوکراین سیاست اتحاد با غرب (اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو) و در مقطعی دیگر ویکتور یانکوویچ به سمت روسیه متمایل شده بود. بنابراین ژئوپلیتیک یک کشور گاه

به مثابه یک فرصت و زمانی دیگر به عاملی تهدیدکننده علیه منافع و امنیت ملی تبدیل می‌شود. نقش نخبگان اجرایی در تبدیل کردن ژئوپلیتیک به فرصت یا تهدید امری حیاتی تلقی می‌شود. شواهد و قرائن نشان می‌دهد در مقطع زمانی مورد بحث، نخبگان شرق‌گرا و غرب‌گرا باعث شدند که سیاست خارجی این کشور از حالت موازنه و تعادل خارج شده و غرب‌گرایی و شرق‌گرایی در دستور کار سیاست خارجی قرار گیرد. این امر باعث شکنندگی امنیت ملی اوکراین و ظهور تهدیدهایی علیه این کشور شد. هنگامی که نخبگان شرق‌گرا قدرت را در دست داشتند، غرب‌گرایان این کشور دچار ترس و هراس از ادغام در روسیه می‌شدند و به روس‌هراسی دامن می‌زدند. از سوی دیگر، در مقطعی که غرب‌گرایان قدرت را در دست داشتند، علاوه بر نخبگان روس‌گرای اوکراینی، کشور روسیه نیز دچار هراس می‌شود؛ چون اتحاد و ائتلاف کی‌یف با غرب را تهدیدی علیه خود قلمداد می‌کرد.

بی‌توجهی نخبگان اوکراینی به مؤلفه‌های هویت ملی، موقعیت جغرافیایی و الزامات ژئوپلیتیک قدرت، باعث شد که سیاست خارجی کیف در مرز بقاء حرکت داده شود، امنیت ملی مورد تهدید واقع شود و تمامیت ارضی این کشور مورد خدشه قرار گیرد. به‌طور خلاصه باید گفت سیاست خارجی اوکراین بعد از استقلال تا ۲۰۲۲، بیشتر ماهیتی و سرشتی هستی‌شناختی، هویتی، امنیتی و نظامی پیدا نمود. بنابراین، همکاری‌ها بین این کشور و سایر کنش‌گران بین‌المللی و منطقه‌ای در این چارچوب برقرار شد و سیاست خارجی به یک موضوع قطبی‌کننده اصلی سیاست در اوکراین تبدیل شد.

منابع و مأخذ

- Balabanov, K., Pashyna, N., & Lysak, V. (2019). "Regional Identity in Ukraine: Formation Factors and Functions. *Studia Politica*", **Romanian Political Science Review**, 19(3-4), 491-513. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-68454-6>.
- Balcer, Adam (2018), "Europe and the Ukrainian Civic National Identity". Available at: <https://eu.boell.org/en/2018/04/25/europe-and-ukrainian-civic-national-identity>.
- Chayinska M, Kende (2021), "National identity and beliefs about historical linguistic are associated exclusive language policies among the Ukrainian linguistic majority". **Group Processes & Intergroup Relations**. Epub ahead of print 27 March 2021 with support for. DOI: 10.1177/1368430220985911.
- Dominique, Arel (2018), "How Ukraine has become more Ukrainian", **Post-Soviet Affairs**", 34:2-3, 186-189, DOI: 10.1080/1060586X.2018.1445460.

- Friedrich Ebert Foundation (2021), "UKRAINIAN PRISM: FOREIGN POLICY", at: <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/ukraine/17704.pdf>
- Furtado Chares. (1994), "Nationalism and Foreign Policy in Ukraine", **Political Science Quarterly**, Volume 109 Number 1.
- Henke, Nina (2020), "Identity and Nation-Building in Ukraine: Reconciliation of Identities from a Conflict Prevention Perspective", Available at: https://www.ecmi.de/fileadmin/user_upload/Research_Paper_125.pdf.
- Larysa ,Tamilina,(2021), "The Dynamics of National Identity and Pride Formation in Ukraine", Available at: <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/111033/> MPRA Paper No. 111033, posted 13 Dec 2021.
- Khrestin, Igor (2002) "Constructing a Common Ukrainian Identity: An Empirical Study," Available at: <https://digitalcommons.iwu.edu/respublica/vol7/iss1/6/>.
- Kuzio Taras (2022), "Eastern Ukraine' is No More: War and Identity in Post-Euromaidan Dnipropetrovsk", Available at: <https://www.e-ir.info/2022/01/27/eastern-ukraine-is-no-more-war-and-identity-in-post-euromaidan-dnipropetrovsk/>
- Kuzio, Taras (2006), "National Identity and History Writing in Ukraine", **Nationalities Papers**, Vol.34, No.4, September, pp: 407-427. DOI: 10.1080/00905990600842080.
- Gaber, Yevgeniya and Others (2020), "Foreign policy Concept of Ukraine", Available at: <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/ukraine/17275-20210126.pdf>
- Khatu, Jayesh (2022), "Opinion – The European Union's Status in the Russia-Ukraine Crisis", Available at: <https://www.e-ir.info/2022/02/02/opinion-the-european-unions-status-in-the-russia-ukraine-crisis/>
- Kissinger, Henry(2014), "Settling the Ukraine Crisis, Begin At Last", Available at: https://www.washingtonpost.com/opinions/henry-kissinger-to-settle-the-ukraine-crisis-start-at-the-end/2014/03/05/46dad868-a496-11e3-8466-d34c451760b9_story.html
- Kiryukhin Denyas (2015), "Roots and Features of Modern Ukrainian National Identity and Nationalism", Available at: <https://www.e-ir.info/2015/03/19/roots-and-features-of-modern-ukrainian-national-identity-and-nationalism/>.
- Kuleba Dmytro (2021), "Why Is Ukraine Still Not in NATO," Atlantic Council, February 16, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/ukrainealert/why-is-ukraine-still-not-in-nato/>.
- Maksimovtsova, K. (2017). "Language Policy in Education in Contemporary Ukraine: A Continuous Discussion of Contested National Identity". **Journal on Ethnopolitics and Minority Issues in Europe** 16 (3), pp. 1-25
- Masters, Jonathan (2021) "Ukraine: Conflict at the Crossroads of Europe and Russia", Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/ukraine-conflict-crossroads-europe-and-russia>.
- McGlynn, J (2020) "Historical framing of the Ukraine Crisis through the Great Patriotic War: Performativity, cultural consciousness and shared remembering". **Memory Studies** 13(6):1058–1080. DOI: 10.1177/1750698018800740.
- Mearsheimer, John J.(2014), "Why the Ukraine Crisis Is the West's Fault The Liberal Delusions That Provoked Putin", Available at: <https://www.mearsheimer.com/wp-content/uploads/2019/06/Why-the-Ukraine-Crisis-Is.pdf>.

- Mykhailenko, Yurii (2021), "Foreign Policy Strategy of Ukraine. How to Achieve the Goals Set", 30 Mar. Available at: <https://bintel.org.ua/en/analytics/strategiya-zovnishnopolitichnoi-diyalnosti-ukraini-yak-nam-dosyagti-viznachenix-cilej/>.
- Milles, Claire (2022), "Military assistance to Ukraine 2014-2021", Available at: <https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/SN07135/SN07135.pdf>.
- Pop-Eleches, Grigore (2018), "Identity and political preferences in Ukraine – before and after the Euromaidan", **Post-Soviet Affairs**, 34:2-3, 107-118, DOI:10.1080/1060586X.2018.1452181
- Shyrokykh, Karina(2018), "The Evolution of the Foreign Policy of Ukraine: External Actors and Domestic Factors", Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09668136.2018.1479734>.
- Stork Balint(2015), "Geopolitical situation of Ukraine and its importance", Available at: <https://securityanddefence.pl/pdf-103292-36222?filename=Geopolitical%20situation%20of.pdf>.
- Toal, Gerard and others (2020), "Is Ukraine Caught between Europe and Russia? We Asked Ukrainians This Important Question," **Washington Post**, February 26, 2020.
- U.S. Department of State (2021), "Joint Statement of the United States and Germany on Support for Ukraine, European Energy Security, and our Climate Goals," July 21, Available at: <https://www.state.gov/joint-statement-of-the-united-states-and-germany-on-support-for-ukraine-european-energy-security-and-our-climate-goals/>.
- Walt, Stephan (2022), "Liberal Illusions Caused the Ukraine Crisis", <https://foreignpolicy.com/2022/01/19/ukraine-russia-nato-crisis-liberal-illusions/>.
- Wasielewski, Philip (2022), "Russia's Possible Invasion of Ukraine", Available at: <https://www.csis.org/analysis/russias-possible-invasion-ukraine>.
- Welt Cory(2021), "Ukraine: Background, Conflict with Russia, and U.S. Policy", <https://sgp.fas.org/crs/row/R45008.pdf>.
- Zverev Aleksandr (2015), "Competing approaches: Neorealism versus constructivism On the Ukrainian crisis", Available at: https://zdes.spbu.ru/images/working_papers/wp_2015/WP2_Zverev_Competing-approaches.pdf.